نسبت ما با رسول خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» و شریعت محمدی و نظری به جایگاه اغتشاشات اخیر

شماره پرسش: ۴۱۰۵۳
تاریخ ارسال پرسش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۷ ۰۵:۵۶:۲۴

متن پرسش

بسمه تعالی متن بحث امشب

متن پاسخ

نسبت ما با رسول خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» و شریعت محمدی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

«السَّلامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللَّهِ». سلام بر انسانی که مفتخر شد به بندگی خداوند و پیامبریِ او«عبدهُ و رسوله».

خداوند در رابطه با جایگاه پیامبر خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» و نسبتی که آن حضرت با جان ما دارند؛ می‌فرماید: **«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنينَ إِذْ بَعَثَ فيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كانُوا مِنْ قَبْلُ لَفي ضَلالٍ مُبينٍ»** (آل‌عمران/۱۶۴)

خداوند لطفی بس گرانمایه را بر مؤمنین عطا کرد آن‌گاه که در بین خودشان رسولی را که قصه‌ی جان آن‌ها است، برانگیخت تا برای مردمان نشانه‌های او را یکی پس از دیگری بنمایاند و انسان‌ها را آنچنان از آلودگی‌ها آزاد کند که شایسته‌ی صعود به حضرت ربّ العالمین در آن‌ها شکل گیرد و علاوه بر این، آن‌ها را کتاب و حکمت بیاموزاند تا بدانند چه باید بکنند و چگونه زندگی را حکیمانه طیّ نمایند. و این در حالی است که تا آن زمان، هرچه بوده است با همه‌ی ادعاهای مدعیان، سراسر نسبت به راهی که بشر باید طی کند، گمراهیِ روشنی به حساب می‌آمد.

۱. شریعت الهی، حضور در ذات انسانیِ انسان :

انسان در مواجهه با رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» و شریعت و راهی که آن حضرت آورده‌اند، در واقع با اصل ذات خود روبه‌رو می‌شود که عین ربط و عین عبودیت نسبت به حضرت پروردگار است و با شریعت الهی که در واقع راهِ رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» به سوی پروردگار است، انس با حضرت حق برای انسان آشکار می‌شود، آن هم در راستای حکمت اُنسی که طلب شناساییِ حق است. زیرا محیط زیست حقیقی انسان که دلِ او باشد، با فروافتادن در دنیا آلوده می‌شود و این آلودگی به جایی می‌رسد که بشر نمی‌تواند حیات خود را ادامه دهد و نیازمند است تا قدم در راه طریقت انسانی بگذارد که نماد کامل انسانیت است و از این جهت او برگزیدهٔ خداوند و «مُصطَفی» شده تا با راهی که

خداوند برای بشریت در مقابل او گذارده، انسان‌ها در معنای ذاتی خود که عبودیت است، حاضر شوند.

۲. شریعت محمّدی «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» و عبور از سرگردانی:

اگر جناب حافظ فرمود:

در کوی ما شکسته‌دلی می‌خرند و بس بازار خودفروشی در آن سوی دیگر است

این همان حضور در مقام عبودیت می‌باشد به همان معنایی که خداوند فرمود: «أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَميدُ» (فاطر/۱۵) شما در ذات خود عین نیاز به خداوند هستید و خداوند عین جوابگویی به نیاز و فقر شما و او مطلوبی است بسی پسندیدنی در جواب طلب و نیاز شما. و از این جهت که جایگاه پیامبر خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» که متذکر شریعت و راهی است به سوی خداوند؛ بسی با اهمیت می‌شود تا ما در فقر و نیاز به خدای غنی حمید سرگردان نمانیم. در این رابطه خوب است به نسبت خود با پیامبر خدا بسیار بیندیشیم.

۳. شریعت الهی و حضور انسان در انسانیت خود:

آن‌گاه که انسان متوجهٔ فقر ذاتی خود بشود و برایش روشن گردید تمنیّات دنیایی جواب جان او را نمی‌دهد، متوجهٔ خدایی می‌شود که غنیّ و حمید است، در آن حال قلبش «عرش رحمان» می‌شود و متوجه می‌گردد با نظر به شریعتی که پیامبر خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» به میان آورده‌اند، در انسانیت خود، آری! در انسانیت خود نسبتی خاص با خداوند برقرار می‌کند، که همان نسبت عبد و معبود است.

۴. تا خدا به سراغ انسان آید:

در واقع شریعتِ آخرین پیامبر «برای همه‌کس و برای هیچ‌کس» به حساب می‌آید؛ برای همه می‌باشد وقتی متوجهٔ حقیقت خود که همان عبودیت است، باشند. و برای هیچ‌کس نیست، وقتی اصرار بر خودخواهی داشته باشند، به گمان آن‌که می‌توانند بدون معرفت به حقایق الهی و شریعت آخرین پیامبر، خود را ادامه دهند. در حالی‌که به گفتهٔ جناب حافظ:

من به سر منزل عنقا نه به خود بردم راه قطع این مرحله با مرغ سلیمان کردم

که همان شریعت و راهی است که پیامبر خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» در مقابل انسان‌ها گشوده‌اند تا خدا به سراغ انسان آید، به همان معنایی که خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: «لَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا» همواره بندهٔ من در مسیر بندگی تا آن‌جا به من نزدیک می‌شود که دوست‌دارش می‌شوم، پس چون دوست‌دارش شدم، گوشش می‌شوم که بدان بشنود و چشم‌اش می‌شوم تا بدان ببیند و دست او می‌شوم تا بدان چیزها را بگیرد. آری! این است معنای آن‌که خداوند به سراغ انسان می‌آید وقتی انسان در بستر شریعتی که پیامبر خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» آورده‌اند، بندگی کند.

۵. غلبهٔ حضور نرم مردم در برابر ارادهٔ معطوف به قدرت:

با حضور پیامبر خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» در این آخرین دوران که ظلمات و « مَکْرِ لَیْلِ و نَهار» به نهایت می‌رسد و غربِ ظلمانی به گمان خود بنا دارد با اسلحه‌های مخوف و رسانه‌های گسترده و فضای مجازی، جهان را و بشریت را تسخیر کند؛ همه چیز برعکس می‌شود و ارادهٔ معطوف به سوی قدرت، مغلوبِ حضور نرم ارادهٔ معطوف به حق می‌گردد و ۲۲ دی‌ماه به میان می‌آید که به تعبیر مقام معظم رهبری، «ملت ایران کمر فتنه را شکست».

برای جهان استکبار بسیار مشکل است که شخصی به نام امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» پیدا شود که امامت‌شان نه‌تنها در راستای ارادهٔ جهان غرب که ارادهٔ معطوف به کفر است، نباشد؛ بلکه برعکس، آن اراده، ارادهٔ معطوف به حق و به انسانیت باشد و معلوم است که باید مساجد را آتش بزنند و قرآن را بسوزانند زیرا ذیل ارادهٔ معطوف به حقّ و انسانیت که با مسجد و قرآن پیش می‌آید، جهان استکبار معنای خود را از دست می‌دهد و با رهبری مقام معظم رهبری «حفظه‌الله‌تعالی» از تبدیل جریان انقلاب اسلامی به نفسانیتِ غربی که با تحریم‌ها و تبلیغات خود امید چنین تبدیلی را داشتند، مأیوس می‌شوند. و لذا دست به هر کاری می‌زنند و هر شعاری می‌دهند.

۶. آخرین دین و حضور در عمیق‌ترین لایهٔ انسانی:

با حضور شریعتِ آخرین پیامبر «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» و راهی که آن حضرت به سوی خدا در مقابل بشریت گشودند، بنا بر آن نیست که مستضعف، مستکبر شود و همچنان وضع سابق ادامه یابد. زیرا انقلاب اسلامی در ذات خود عبارت است از تعالی انسان تا مرز ملاقات خداوند که هدف انسانیت هر انسانی است.

عمده آن است که متوجه باشیم با اسلام و ذیل اسلام از طریق انقلاب اسلامی، طلب و تمنّای بشر عوض می‌شود و اندیشه‌های آماده‌گر، گرچه به ظاهر کاری نمی‌کنند ولی طلب و تمنّای بشر را به سوی عالم قدس تغییر می‌دهند تا حضرت ربّ العالمین با تجلی «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْماءَ کُلَّها» انقلابی در جان انسان‌ها پیش آورد و بشرِ آخرالزمانی در عمیق‌ترین لایهٔ انسانی خود در این رابطه متوجهٔ نسبت خود با پیامبر خدا«صلوات‌الله‌علیه‌وآله» که نماد کامل «خلیفهٔ الله» است؛ بشود. امری که جریان‌های غرب‌زده و لیبرال‌هایِ خودی متوجهٔ آن نیستند و بنا دارند در دل انقلاب اسلامی، خودشان در جایگاه مستکبران قرار گیرند.

۷. راز حقّانیت انقلاب اسلامی:

در زمان و زمانه‌ای که بشر بیش از همیشه باید با تفکر حقیقی که شناخت باطلِ زمانه است؛ خود را بیابد، انسان می‌تواند باطل را در هر جریانی که با مسیر آخرین پیامبر مقابله می‌کند، بشناسد. و در این راستا راه خدا، به عنوان راهی که راه باطل نیست، خود را می‌نمایاند. این یعنی حضور در میدان «تولّی» و «تبرّی» که حضور در اُنسِ نهایی با حضرت حق است در مقابله با میدانی که در نهایت خشونت با انسانیت است و این است راز حقّانیت اسلام و ذیل اسلام، راز حقّانیت انقلاب اسلامی که

با خشن‌ترین جبههٔ استکبار روبه‌رو شده، به معنای پایان تاریخ غربِ استکباری که تاریخ فرار از حق و حقیقت است در نهایی‌ترین شکل.

۸. ما و متفکرترین انسان‌ها:

با توجه به این‌که انسان در مسیر توحید و شریعت اسلامی از «آگاهی» به سوی «خودآگاهی» می‌رود و از «خودآگاهی» به «دل‌آگاهی» نایل می‌گردد که همان تفکر حضوری است که منجر به درک موقعیت تاریخی می‌شود که در آن تاریخ حاضر است. می‌توان گفت آن مادر شهید و آن خانم خانه‌داری که در راهپیمایی ۲۲ دی‌ماه شرکت می‌کند؛ متفکرتر از بسیاری از تحصیل‌کرده‌های غرب‌زده می‌باشند زیرا تفکر، همواره با «تقوی» و ورع همراه است تا به حکم: «وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»(نحل/۴۴) انسان‌ها متوجهٔ تفکری می‌شوند که در دل شریعت محمّدی «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» پیش می‌آید و جریان غرب‌زدهٔ بی‌تقوا و بی‌ورع هرگز نمی‌تواند از آن شریعت بهره‌مند شود و به تفکری که آیهٔ مذکور متذکر آن است برسد.

۹. نسبت شریعت الهی و تفکر حضوری :

اگر انسان از طریق عبودیت و در بستر شریعت الهی با خویش و با خدای خویش خلوت نداشته باشد، حقیقتاً نمی‌تواند اهل تفکر باشد و اطلاعات او هم عملاً توالیِ فاسد پیدا می‌کند مانند علم امروز و خلقِ اسلحه‌های مخوف. تفکر حقیقی، آن حضوری است که تنها ذیل شریعت الهی پیش می‌آید و چنانچه آن تفکر در صحنه نباشد، علم و فلسفه به وِرّاجی می‌افتد و هنر هم بازگشتی خواهد بود به سوی امیال نفس امّاره. این است علت نیاز ما به شریعت الهی و نسبتی که باید با آخرین پیامبر برقرار کرد.

۱۰. راز آشفتگی جهان امروز:

آشفتگی جهان امروز که بشر، خود را در آن بی‌نیاز از شریعت می‌داند، طوری است که انسان نمی‌تواند با خودش خلوت کند و حتی نمی‌تواند فکر کند و نمی‌تواند انسان‌گونه فرائض و نوافل خود را به‌جا آورد، زندگی‌اش عین بی‌تقوایی و بی‌ورعی می‌باشد، در هر کاری سعی دارد شهوات نفس امّارهٔ خود را ارضاء کند. این‌جا است که می‌یابیم تنها با رجوع به آموزه‌های دینی و شریعت الهی، به عنوان راهی به سوی خدا، می‌توانیم خود را نجات دهیم، در صورتی که جایگاه آخرالزمانی معارف توحیدی و شریعت الهی را بشناسیم و از سطحی‌کردن و تقلیل‌دادنِ آموزه‌های دینی و آداب دینی پرهیز نماییم و متوجهٔ آینده‌ای باشیم که به گفتهٔ جناب مولوی:

ازدرم ها نام شاهان برکنند نام احمد تا ابد بر مي‌زنند

و این یعنی آینده ای که در پیش است و رهبر معظم انقلاب در سخنان خود در روز بعثت متذکر آن شدند که چگونه امروز هم اسلام می‌تواند دنیای امروز را هم از سراشیبیِ سقوط به درّهٔ تباهی نجات دهد.

والسلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته

صوت جلسه https://lobolmizan.ir/get-file/۵۸۴۳/?item=۰